پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (چهارم) پنجشنبه ۱۵ حمل ۱۳۴۷ هـ - ۴ اپریل ۱۹۶۸ ع

کارگران کشور بیکار اند!

چهره خوفناک بیکاری زندگی ملیون‌ها نفر کارگران و زحمتکشان کشور ما را تهدید می‌کند

بیکاری ملیون‌ها هموطن ما ناشی از جهات منفی سیاست اقتصادی دولت و کندی آهنگ رشد اقتصاد و فرهنگ کشور است. بحران بیکاری در شهر و ده به اندازه‌یی بسط و توسعه‌یافته که مقامات دولتی نیز ناگزیرند به آن اعتراف کنند.

هرگاه ملیون‌ها زن و مرد مستعد بکار که در رشته‌های غیر تولیدی و بصورت بیکاری‌های مزمن دایمی و فصلی و غیرفعال حیات بسر می‌برند مورد بحث علیحده قرار دهیم، هم اکنون صدها هزار نفر دهقان و کارگر در شهر و ده بیکارند. تنها در حدود هشتاد هزار کارگر ماهر و نیمه ماهر از رشته‌های مختلف پروژه‌های پلان دوم، بیکار مانده‌اند.

جالب‌توجه اینست که علی‌رغم بحران بیکاری مشهود در کشور که ناشی از وجود یک نظام کهنه و اقتصاد کوچک و ناتوان افغانستان می‌باشد، باز هم مقامات دولتی افغانستان داد می سخن از پیشرفت و ترقی کشور می‌زنند و گزارش‌های پر طمطراقی را از دستگاه تبلیغاتی دولت پخش می‌نمایند. آیا این وضع تا کدام وقت دوام خواهد کرد؟

با اینکه مقامات رسمی دولت‌جبراً به بحران بیکاری اعتراف می‌نمایند، لیکن می‌خواهند چنین وانمود کنند که گویا این بیکاری صرف محصول افزایش نفوس و عدم قدرت مالی دولت در ایجاد مؤسسات انتفاعی و طرح پروژه‌های خصوصی و در نتیجه، یک امر طبیعی کشورهای کم رشد است.

علت اصلی و واقعی بیکاری در کشور، همانا عبارت از وجود روابط پوسیده اقتصادی، اجتماعی است که محافل حاکمه کشور به حفظ و بقای آن علاقمنداند.

وقتی که دولت قسمت عمده بودجه را بی‌رحمانه حیف‌ومیل کند، صدها ملیون افغانی آن را بجای آن که صرف امور تولیدی و بخصوص صنایع نماید، در خرید وسایل بی لزوم از قبیل موترهای مدل سال ... و ده‌ها قلم مخارج زاید اداری اختصاص دهد، وقتی که سرحدات کشور را بروی اموال خارجی توأم با اعلانات رنگین باز گذارند و صنایع ناچیز کشور را در خطر ورشکستگی قرار دهد و دست ده‌ها هزار کارگر از کار گرفته شود، زمانی که فقر سیاه کشنده در دهات کشور، ده‌ها هزار دهقان را بسوی شهرها بکشاند، بدون این که کاری هم برای آن‌ها تأمین شده باشد، وقتی دولت برای یک لحظه هم در فکر ایجاد کار برای زحمتکشان نباشد، مسلم است که هیولای بیکاری روز بروز مردم وطن ما را در وحشت نگاه می‌دارد و کشور را به بحرانی عظیم مواجه می‌سازد.

(ص ۳)

یک نظر اجمالی بر منبع مالی
پلان پنجسالهٔ سوم کشور

بیش از ده سال است که دستگاه کهنه اقتصاد افغانستان لنگان، لنگان بر محور دو پلان پنجساله می‌چرخند و اکنون در سال دوم «سومین پلان پنجساله انکشاف اقتصادی و اجتماعی (!)» افغانستان قرار دارد که بودجه آن از طرف حکومت به شوری تسلیم داده شد.

بوضاحت دیده می‌شود که «سومین پلان پنجساله» از لحاظ کندی آهنگ رشد اقتصادی و اجتماعی کشور و محدود بودن حجم سرمایه‌گذاری پاسخگوی خواست زمان و خلق افغانستان نیست. مصالح جدی مردم افغانستان حکم می‌نماید که در طرح پلان سوم کشور تجدیدنظر بعمل آید، منابع واقعی تمویل یک پلان علمی و مستدل تأمین گردد، از مواد و منابع ثروت‌های طبیعی کشور بصورت معقول بهره‌برداری شد و قوای عظیم بشری وطن وسیعاً بکار انداخته شود.

ولی بکمال تأسف خاطرنشان می‌گردد که ماهیت طبقاتی محافل حاکمه سیاسی کشور و سیاست اقتصادی و تمایلات درونی آن‌ها طوریست که پلان‌گذاری مستدل و علمی و اجرای آن را در افغانستان روز بروز به مشکلات بزرگ مواجه می‌سازد.

هموطنان! برای نشان دادن وضع هلاکت بار و کندی وحشت‌انگیز رشد اقتصاد ملی کشور چه مقیاس را اساس قرار دهیم؟ فقر، بیماری، بیکاری، بیسوادی، مرگومیر هزاران هزار هموطن را؟ عواید ملی خجالت‌آور را؟ آهنگ رشد کند را، سطح نازل حاصلدهی کار را، درجه استثمار غیرانسانی را، ظلم و ستمگری را؟ چه را ...؟

هموطنان اجازه بدهید حجم مصارف انکشافی پلان سوم را با پلان دوم مقیاس قضاوت آهنگ رشد اقتصادی قرار دهیم و با ارقام و حقایق گویا با «مقامات مسؤول» صحبت کنیم. شاید برای شما هموطنان این صحبت کسالت‌آور باشد ولی نباید کسالت را به خود راه داد، بگذارید با سلاح دانش و علم جهات نفی دستگاه حاکمه را آشکار سازیم، تا نگویند که مدافعین صدیق خلق پیوسته از طریق «تحریک مردم» (!) بما حمله می‌کنند و به اصطلاح آن‌ها «عوام فریبی و ماجراجویی» (!) می‌نمایند و «امنیت و منافع عالیه وطن» (!) را برهم می‌زنند.

با یک تحلیل موجز و با ارایه ارقام (طبق نشرات و راپورهای وزارت پلان که مستند موجود است) می‌توان اقتصاد کشور را که با درد و رنج طولانی مردم ما توأم است، روشن ساخت.

مجموع مصارف انکشافی پلان سوم با مقایسه با پلان دوم قرار ذیل است (بشمول سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی)

پیش‌بینی شده برای پنجسال پلان دوم: ۳۹/۱ ملیارد افغانی

حقیقی برای پنجسال پلان دوم ۲۵ ملیارد افغانی

پیش‌بینی شده برای پنجسال پلان سوم: ۳۳ ملیارد افغانی

در نگاه اول از ارقام بالا بوضاحت آشکار می‌گردد که مصارف انکشافی پیش‌بینی شده پلان سوم با مقایسه مصارف پیش‌بینی شده پلان دوم ۶/۱ ملیارد افغانی کمتر است.

هرگاه به ارقام و حقایق زیرین توجه گردد، به ملاحظه خواهد رسید که باز هم در عمل مصارف انکشافی حقیقی پلان سوم نسبت به پلان دوم کمتر از نصف تنزیل می‌کند. زیرا منابع تمویل طوری که در پلان پیش‌بینی شده (مراجعه شود به صفحات ۶۲ الی ۶۶ پلان پنجساله سوم) –

(ص ۲)

مخارج زندگی مردم طاقت فرساست

نرخ مواد استهلاکی و مواد مورد احتیاج روزمرهٔ مردم، بیش از پیش افزایش می‌یابد، کمی عواید و صعود نرخ‌ها زندگی طبقات زحمتکش شهر و ده را ویران ساخته است، سیر قیمت‌ها در فاصله سال‌های ۱۳۴۱ و شروع ۱۳۴۷ بیش از دو الی سه برابر بلند رفته است و مصارف زندگی را نیز دو برابر کرده است.

افزایش مصرف زندگی و قیمت‌ها در مقایسه با میزان عواید مردم شایان توجه فوری می‌باشد. درحالی‌که از یک سو قیمت‌های اجناس مورد ضرورت عموم در طی شش سال بیش از دو – سه برابر گردید، از سوی دیگر در قدرت خرید افغانی تنزیل بعمل آمد، ولی عواید طبقات زحمتکش کشور همچنان تا حدود معینی ثابت مانده و یا افزایش اندکی داشته است.

هرگاه عواید یک کارگر را که باید احتیاج اولیه یک خانوادهٔ پنج عضوی را تأمین نماید حساب کنیم به نتایج ذیل می‌رسیم:

حد اوسط مزد ماهیانه یک کارگر به پنج الی شش صد افغانی می‌رسد در صورتی که تنها قیمت یک قرص نان (۳) افغانی‌ست. هرگاه یک از اعضای خانواده کارگر روز یک نان (که سیر هم شده نمی‌تواند) صرف کند، در سی روز (یک ماه) ۴۵۰ – افغانی می‌شود.

قابل دقت است، برای خانوادهٔ کارگر دگر مواد غذایی، منزل، لباس، دوا و تحصیل مفهومی ندارد.

این است حد اوسط عواید یک کارگر!

چه رسد به ملیون‌ها تودهٔ عظیم دهات که با نان خالی و خشک نیز نمی‌توانند شکم خود و فرزندان خود را سیر کنند.

فریاد محزون مردم را که از گرانی مخارج زندگی به آسمان‌ها رسیده است، باید در حل مسأله زمین پاسخ داد.

علل سیر صعودی قیمت‌ها را باید در شرایط نظام فرتوت فیودالی و نفوذ استثمار استعماری سراغ نمود.

تا عوامل کندی رشد از میان نرود و تا اصلاحات و تحولات عمیق و بنیادی اجتماعی و اقتصادی صورت نگیرد و مردم در راه تحقق آن مبارزه نکنند انتظار گشایش، رفاه و آسایش داشتن، خود را فریب دادن است.

(آسه مائی)

از «ص اول»

یک نظر اجمالی ...

طبق تجربه پلان دوم و دیگر حقایق کاملاً مورد اطمینان نمی‌باشد.

درین مورد مثال‌های مشخص ارایه می‌گردد.

۱ـ تفاوت بین منابع پیش‌بینی شده تمویل از طریق کمک و قرضه از کشورهای خارجی طی پلان دوم و وجوه حقیقی که بدست آمده و قسمتی از مصارف انکشافی را نشان می‌دهد قرار ذیل است (به ملیون دالر) مجموع پیش‌بینی شده ۷۴۴، حقیقی ۳۵۲/۲ (۳۹۱/۸ بدست نیامده است.)

منجمله اتحاد شوروی: پیش‌بینی شده ۳۳۴/۵، حقیقی ۲۳۰ (باقی ۱۰۳/۸ بنا بر عدم توانایی در تدارک مصارف افغانی لازم و عوامل دیگر داخلی برای پلان سوم انتقال یافته است)

امریکا: پیش‌بینی شده ۳۵۰/۳، حقیقی ۸۲/۲ (انتقالی ندارد، باقی پیش‌بینی شده تحقق نیافت)

آلمان غربی: پیش‌بینی شده ۵۰، حقیقی ۳۱/۴ (با ربع سنگین باقی انتقال به پلان سوم)

ملل‌متحد: پیش‌بینی شده ۵/۱ حقیقی ۵/۱

چکوسلواکی: پیش‌بینی شده ۳/۸، حقیقی ۳/۸

طبق پیش‌بینی پلان سوم ۶۹ فیصد ضرورت اسعاری مصارف انکشافی پلان سوم (امداد پروژوی آن ۴۲۰ ملیون دالر) از امداد و کریدت‌های جدید اتحاد شوروی (بدون کمک‌های انتقالی از پلان دوم به پلان سوم که ۱۰۳/۸ ملیون دالر می‌شود) معادل ۱۱۴ ملیون روبل (۱۲۶/۷ ملیون دالر) برای پلان سوم با شرایط مساعد و ربع کم و بدون قید و شرط تعهد گردیده است. کمک و امداد اتحاد شوروی به منظور رشد اقتصاد ملی کشور مجموعاً در طی پلان سوم تا معادل ۲۳۰/۵ ملیون دالر می‌رسد.

هرگاه تعهدات و کمک‌های یک عده از کشورها و مؤسسات خارجی دیگر و عواید ناچیز اسعاری داخلی هم با کمک اتحاد شوروی (که تقریباً تاکنون در حدود بیش از دو ثلث کمک‌های خارجی را تشکیل می‌دهد) علاوه گردد باز هم از یکسو بیش از (۳۰۰) ملیون دالر برای تکافوی قسمت اسعاری پلان سوم بصورت حقیقی از منابع خارجی بدست آمده نمی‌تواند و از سوی دیگر دولت افغانستان بنا بر سیاست اقتصادی بی‌اساس و غیرعلمی قادر نیست که مواد، پرسونل و بخصوص منابع مالی داخلی (پول افغانی) را برای جلب بیشتر کمک‌های خارجی تأمین کند.

طبق مسوده پلان سوم «۲۵۳ ملیون دالر دیگر برای تکافوی قسمت باقی‌مانده ضرورت اسعاری پروژه‌های پلان سوم لازم است...» (سطر ۹ صفحه ۶۴ کتاب سومین پلان پنجساله) اگر خوش‌بینانه قضاوت گردد باز هم طبق پلان نیم‌بند پنجساله سوم (۱۲۰) ملیون دالر معادل تقریباً (۵/۵) ملیارد افغانی کسر حقیقی از درک تمویل منابع خارجی تا اخیر پلان پنجساله سوم وجود خواهد داشت.

در منابع تمویل پلان سوم امداد مواد استهلاکی از طرف کشورهای خارجی ۴/۲ ملیون نشان داده شده است که طبق تجربه پلان دوم و گرفتاری‌های امریکا (!) در جنگ تجاوزکارانه ویتنام تنها ممک نصف آن بدست آمده بتواند. بدین ترتیب مجموع کسر حقیقی از درک تمویل منابع خارجی تا اخیر پلان سوم به ۷/۶ ملیارد افغانی از ۲۳/۲ ملیارد افغانی و ۶۹ فیصد مجموع مصارف انکشافی که پیش‌بینی شده می‌رسد.

۲ـ در منابع تمویل داخلی رقم ۹/۸ ملیارد افغانی گویا برای مصارف انکشافی از مدارک ذیل تخصیص داده شده است:

مازاد عواید داخلی (۵/۷) ملیارد اشتراک سرمایه‌گذاری خصوصی ۲ ملیارد، استقراض از بانک مرکزی (۱/۲) ملیارد، مالیات مزید ارضی و تدابیر دیگر (۰/۹) ملیارد. بنا بر تجارب پلان دوم و همچنان بنا بر ناچیز بودن عواید داخلی بصورت حقیقی، عدم توانایی سرمایه‌گذاری خصوصی (بنا بر سیاست درهای باز و عدم حمایه گمرکی)، محدود بودن استقراض از بانک مرکزی (بنا بر خطر تورم پولی)، مالیات مزید ارضی که اصلاً تذکرش شرم‌آور است – همه نمودار این واقعیت است که از ۹/۸ ملیارد منابع داخلی بیش از نصف آن بدست آمده نمی‌تواند.

۳ـ بکمال تأسف باید خاطرنشان گردد که حکومت سابق در هنگام طرح پلان بصورت قطع در مصارف انکشافی پلان سوم بمقایسه پلان دوم مسأله سقوط قدرت خرید افغانی (پول) و افزایش قیمت‌ها را در حساب نیاورده است.

قیمت‌ها در کشور بطور عموم نسبت به سال‌های اول پلان دوم دو الی سه برابر بلند رفته است. پر واضح است هرگاه مسأله قیمت‌ها در پول سنجش عمومی سرجمع بودجه انکشافی پلان سوم نیز محاسبه گردد بدون اقلام دیگر کافیست که پروگرام به اصطلاح سرمایه‌گذاری در پنج سال پلان سوم که ۲۳ ملیارد افغانی تعین گردیده به نسبت پلان دوم (۲۵ ملیارد افغانی)، بصورت حقیقی به نصف سقوط کند و یا این که فشار سنگین‌تری را بالای خلق کارگر کشور تحمیل کنند.

مؤجز این که هرگاه حیف‌ومیل، رشوه ستانی مأمورین، مصارف زاید اداری و سؤاستفاده‌های وسیع دیگر را با سه فقره بالا جمع نماییم پروگرام حقیقی سرمایه‌گذاری در پنج سال سوم به مبلغ خجالت‌آوری تنزیل می‌یابد و در نتیجه رشد ضروری اقتصاد و فرهنگ کشور را در شرایط و اوضاع کنونی بصورت کندتر و بطی‌تر ارایه می‌کند. ما درحالی‌که از سیستم پلان‌گذاری دولتی علمی، واحد و متمرکز با حفظ تناسب رشد... بشدت دفاع می‌نماییم و آن را یگانه راه رشد سریع و همه‌جانبه اقتصاد ملی می‌دانیم، ولی جهات منفی روش سیاست و اداره اقتصادی و کندی هلاکت بار رشد اقتصاد و فرهنگ کشور را، که دولت افغانستان تعقیب می‌نماید، محکوم می‌سازیم، زیرا جهان به سرعت محیرالعقول به پیش می‌رود و فاصله و شگاف عقب‌ماندگی کشور ما نسبت به سطح جهانی هر روز در حال افزایش است و دیگر این وضع برای خلق افغانستان غیرقابل تحمل است.

معلوم است وقتی حکومت و مؤسسات مسؤول دولت موضوع را تا اینجا تعقیب نمایند با تبختر و با کبر علمی و تجربه (!) زهرخند خواهند زد و اظهار خواهند داشت که: «عواید ملی ما کم است، تراکم سرمایه و عواید دولت از کجا تأمین گردد؟ این‌ها نظری حرف می‌زنند...!»

خدا کند که فحش نگویند و توطیه دیگری علیه ما راه نیندازند!

این نظر که افغانستان فاقد سرمایه است، بصورت واضح نفوذ استعمار جدید امپریالیزم را در کشور ثابت می‌سازد.

آقایان! اجازه بدهید راه تدارک سرمایه را بصورت فورمولبندی شده زیرین (در شماره آینده) نشان بدهیم!

بگذار زمینی نو پدید آید، بگذار جهانی دیگر زاده شود.
بگذار نسل دیگری آگنده از شجاعت برخیزد.
بگذار مردمی که آزادی را دوست می‌دارند رشد یابند.
بگذار سرودها نوشته شود. بگذار نوحه‌ها ناپدید گردد.
بگذار نسلی از انسان‌های نو برخیزد و حق را پیروز سازد.
«ماگارت واکر»

برخی از لغات و اصطلاحات

سیاسی و اقتصادی

پرچم ازین شماره به بعد، به تقاضای پیهم خوانندگان ارجمند خود، برخی از لغات و اصطلاحات مهم سیاسی و اقتصادی را برای رفع ضروری‌ترین نیازمندی‌های بعضی از خوانندگان نشر می‌نماید.

امیدواریم با نشر این لغات و اصطلاحات به ارتقای سطح تیوریک دوستان ارجمند خدمتی کرده باشیم. زیرا بدون تیوری علمی، پیروزی نهضت ممکن نیست. نقش مبارز پیشرو را کسانی می‌توانند ایفا کنند که دارای تیوری علمی باشند.

***

ارتجاع: عبارت است از مبارزه سیاسی طبقات کهنه اجتماعی، بر ضد ترقی و ترقی‌خواهان. ارتجاع سعی می‌ورزد تا وضع قدیم را احیا کند، یا وضعی را که باید مطابق شرایط جدید اجتماعی تغییر نماید، حفظ کند.

دموکراسی: اصطلاح دموکراسی به معنی حکومت خلق است. دموکراسی شکلی از حکومت است که اصل تابعیت اقلیت از اکثریت را رسماً اعلان می‌دارد، آزادی ساکنین کشور و برابری آن‌ها را در برابر قانون به رسمیت می‌شناسد. اینست تعریفی که در غرب از دموکراسی می‌نمایند و به همین تعریف عادی اکتفا و سعی می‌نمایند که دموکراسی را از شرایط اقتصادی و اجتماعی حیات جامعه جدا مطالعه کنند و در نتیجه مسأله دموکراسی به اصطلاح خالص مجزا از شرایط اقتصادی و اجتماعی مطرح می‌شود.

در جوامع مختلف دموکراسی عبارت است از شکل سازمانی سیاسی جامعه. در جوامع طبقاتی دموکراسی خصلت طبقاتی دارد و عبارت است از دکتاتوری طبقه حاکمه.

مثلاً در جوامع سرمایه‌داری دموکراسی عبارت است از شکل حاکمیت طبقه سرمایه‌دار و در جوامع فیودالی شکل حکومت ملاکان فیودال و بوروکرات‌های مربوط. در این جوامع نیز در تحت فشار مردم، طبقات حاکمه مجبور می‌شوند در داخل چوکات معین منافع طبقاتی‌شان، دست به بعضی اصلاحات زده، قوانین اساسی بوجود آرند و شکلاً بعضی از مؤسسات دموکراتیک را تشکیل نمایند. ولی در پهلوی آن چنان موانعی نیز بوجود می‌آورند که زحمتکشان و توده‌های وسیع مردم نتوانند از این قوانین و مؤسسات به نفع خویش استفاده کنند و به انواع و اشکال مختلف مردم را از دخالت در امور سیاسی بازمی‌دارند.

دموکراسی به مفهوم واقعی کلمه تا اندازه‌ای در یک حکومت دموکراسی ملی که در آن حکومت در دست مردم است، تأمین شده می‌تواند. باید دموکراسی شامل حال همه زحمتکشان و کلیه توده‌های مردم باشد. دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی ناقص است. دموکراسی همه‌جانبه اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که همه افراد جامعه در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور علی‌السویه سهم گرفته تأمین مادی و معنوی هرفرد جامعه قانوناً تضمین گردد.

ای د نوی عصر باده

ای د نوی عصر باده راچلیږه راچلیږه!
ای د ژوند ځلانده لمره راچلیږه راچلیږه!
په دی وچو شارو ځمکو
راوچت تازه ګلان کـه
له دی لوڅو وچو غرونو
راوچت ویده بازان کـه
ګرنـدی شـه او چتـیږه
ای د نوی عصر باده راچلیږه راچلیږه!
ای د ژوند ځلانده لمره راچلیږه راچلیږه!
ددی خـاوری هره لـویشته
هم فردوس دی هم جنت دی
هـر یـو بـوټی، هره تیـوه
هم عزت دی، هم غیرت دی
خـوب دی بس دی را اتیږه
ای د نوی عصر باده راچلیږه راچلیږه!
ای د ژوند ځلانده لمره راچلیږه راچلیږه!
ای د غـرو هـزارګانو!
ای پښـتونه ای ازبکـه
د افـغـان لـویـه تبـره
له تـرکمنه تر تاجـکه
در واری شمه یو کیږه
ای د نوی عصر باده راچلیږه راچلیږه!
ای د ژوند ځلانده لمره راچلیږه راچلیږه!

(سلیمان لایق)

مبـارزه خلـق قهرمـان ویتنـام و اعـراب، مبـارزه همـه مردمـان جهـان علیـه امپریالیزم، علیه ارتجاع و در راه استقلال ملی و آزادی و دموکراسی است.

لحظه‌یی با دوستان

طوری کـه انتظـار می‌رفت جریدهٔ «پـرچم» مـورد اسـتقبال و توجـه پـر حـرارت دوسـتان، محافـل ملـی، دموکراتیـک و مترقـی کشـور قـرار گرفت.

«پـرچم» از حسـن اسـتقبال و احساسـات پرشـور عمـوم طبقـات زحمـتکش افغانسـتان اظهـار امتنـان کرده، از دوستان محترمی که تاییدات، نظریـات و انتقـادات صـحیح و منطقـی خـود را ابـراز داشـته‌اند، صـمیمانه سپاس‌گزار است.

کارکنان این جریده با ارزش مهمی که به نتایج مثبت انتقاد سلیم قایل اند، به نظریان و انتقادات پر ارج مبنی بر حسن نیت و خالی از شایبه خواننده‌گان بصـیر و صـاحب‌نظر خـود، اهمیـت فراوانـی می‌دهنـد. و امیدوارنـد بـه اسـتفاده از ایـن نظریـات و انتقـادات بتواننـد در راه تحقق آرمان‌هـای عالیـه دموکراتیـک خلـق بـه پیروزی‌هـای بزرگـتری نایل آیند.

امـا در مـورد بعضـی از نبشته‌ها و اشـعاری کـه دوسـتان ارجمنـد پـرچم بغـرض نشـر بـه مـا فرسـتاده‌اند، بایـد اظهـار داشـت کـه چـون نشـریهٔ پـرچم پالیسـی خـاص نشـراتی دارد. و از طرف دیگر صفحات آن خیلی محدود اسـت، بنـا بـر آن مجبـوریم بـا عـرض معذرت از نشر کامل آن‌ها گوشه‌یی از عقایـد، اشـعار، نظـرات و انتقـادات دوستان را در این ستون انعکاس دهیم.

***

دوست گرامی ښاغلی «سهار» از کیلگی!

ترانه شورانگیز شما در بارهٔ پرچم خوانده شد. در پیچ و خم هر مصراع و بیت آن عشق و علاقه آتشین شما نسبت به خلق افغانستان پدیدار است.

چون اشـعار و نوشته‌های فراوانـی از گوشه و کنار مختلف افغانستان به ما رسیده است، بنا بر آن صرف یک بند از ترانهٔ شما نشر می‌شود:

جریده‌ایکه خبر می‌دهد ز رنج نهان
ز سـوز سـینهٔ زحمتکشـان و رنجبران
ز درد و اندوه دیرین مردمان فقیر
ز آه و نالهٔ خلق رسیده بر لب جان
همیشه باد بلند و قوی پرچم خلق
فسرده باد همان دل کـه نیست در غم خلق

دوست عزیز ښاغلی حزین!

پارچـه شـعر شـما بنـام «پـرچم» مطالعه شد. احساس عالی شما درخور ستایش است. چون قطع پرچم خورد اسـت و ابـداعات فکـری نـوآوران وطن‌پرست کشور فراوان، برای آن که کلیه علاقمندان آرمان‌های دموکراتیک و اندیشـه‌های پیشـرو معاصـر را در پرچم بیابند، صرف به نشر مطلع شعر شـما می‌پـردازیم و از نشـر کامـل آن محترمانه پوزش می‌خواهیم.

پـرچم مـن، جـان مـن، ای مشـعل سوزان من
مـونس مـن، روح مـن، وی چشـمه حیوان من
نام پاکت، زینت سر دفتر دیوان من
وه، چـه خوش‌آمـد نسیمت بـا بهـار خوشگوار

دست محترم پشیوال!

شـعر شـما بـه عنـوان «پرچمـه!» مطالعـه گردیـد. آرزومنـدیم تـا جـذبات ملی شما را بعد از این هم بـه بهترین شیوه ترجمانی کرده بتوانیم و هدف‌های وطن‌پرسـتانه شـما را تحقـق بخشـیم. اینک دو بیت از شعر شما:

تـه یـی زمـوږ د احساسـاتو لـوی هیندار پرچمه
ته د خاین په زړه نښتر په سترګو خار پرچمه
ستا په جوړښت ملت خوشحاله ډیر له حده شوله
په تا ګویان شو د ملت د زړه اسرار پرچمه

ښاغلی محترم عثمان سلیمان خیل هروی از تخار!

منظومـه شما بنام «افکار اجتماع» بـا دقت مطالعه شد. کارکنـان پرچم بـه دردهـای دل شـما آگـاهی یافتنـد. چـون سـخنان‌تان بهـم تسلسـل منطقـی دارد و نشر چند بیت آن از عذوبت کلام شما می‌کاهد، بنا بر آن از نشر آن بصـورت ناقص خودداری گردید.

ښاغلی ر، ق بدخشی!

پاچـه شـعر شـما کـه نشـانهٔ درک صحیح و مبین علاقمندی‌تان به نهضت نجـاتبخش ملـی و اندیشـه‌های دموکراتیـک خلـق افغانسـتان اسـت، مطالعـه گردید. معـانی رنگین و الفاظ خوشـی را کـه در توصـیف پـرچم گفته‌اید، مایـهٔ تشـویق کارکنـان جریـده است. آرزومندیم کـه بـرای امیدهای نو و روح پرتلاش مـردم خـود جولانگـاه مساعدی را مهیا کرده بتوانیم.

داد از تقاعد! ...

عنـوان منظومـه ایسـت کـه حسـب حال مأمورین خرد رتبه متقاعد را بیان می‌کند. این منظومه توسط یک عده از مأمورین متقاعد به اداره سپرده شد، از خـلال آن فریادهـای غم‌انگیـز مردمـان کهن‌سـالی بگـوش می‌رسـد، کـه عمـر خود را بخاطر خوشبختی آسوده حالان کشور به بی‌حاصلی سپری کرده‌اند. و امـروز نقـد و پاداشـی جـز افسـردگی، تشـویش، نگرانـی، انـدوه و عـدم مصـئونیت در کـف ندارنـد. کارکنـان پـرچم معتقـد انـد تـا اتحادیـه‌های دموکراتیـک اصناف مختلف اجتماعی تشـکیل نشـود و بصـورت دسته‌جمعی مبارزه صورت نگیرد هیچگاه و هرگز طبقـات حاکمـه و اقلیـت کوچـک و صـاحب امتیـاز کشـور، بـه فکـر بهبـود زنده‌گانی مادی و معنوی، مصئونیت و رفـاه مـأمورین پـایین رتبـه و متقاعـدین نخواهند افتید.

از (ص اول)

کارگران کشور بیکاراند!

از یـک سـو بیکـاری و از سـوی دیگر بلنـد رفـتن روزافـزون قیمت‌هـا، زنـده‌گی ملیون‌هـا زحمـتکش وطـن را بطـور بی‌سـابقه‌یی مـورد تهدیـد مـرگ قرار می‌دهد.

قابل غور است کـه حتـی «مقامـات مسؤول» راجع بـه مسأله رفع بیکاری (در پلان سوم) اقدام عملی مؤثری را مطرح بحث قرار نداده‌اند.

تجربـه مبـین ایـن حقیقـت اسـت کـه تنهـا یـک اقتصـاد سـالم و مترقـی و ملـی می‌تواند برای همه مردم کار ایجاد کند و بـرای اشـتغال بیکـاران پـلان عملـی طـرح نمایـد. ولـی در چـارچوب اقتصـادی کـه ملاکـان فیـودال و تـاجران بـزرگ دلال داخلـی و تـاجران خـارجی و نماینده‌گی‌های انحصارات کشورهای سرمایه‌داری چون گرگان در رمـه آزاد گذاشته شوند و هدفـشان غـارت مـردم و منـابع و ثروت‌هـای طبیعـی وطـن مـا باشـد، طبیعـی اسـت کـه رفـع بیکـاری صدها هزار کارگر و زحمتکش کشور مورد بحث قرارگرفته نمی‌تواند.

بیکاری در کشور بصورت عام در تمـام طبقـات و قشـرهای زحمـتکش اجتماعی وجود دارد. کارگران صنعتی و سـاختمانی داد از بیکـاری می‌زننـد، اهل کسبه و پیشه‌ور بنا بر کساد بـازار بیکاراند، دکانداران بیکاراند، دهقانـان بیکاراند، زنـان بیکاراند، مـأموران بیکاراند، حتی تحصیل‌کرده‌گان بیکاراند،

بیکـاری و همـه جـا بیکـاری چـون طـاعون شـیوع دارد. ملیون‌هـا نفـر در کشور بیکار هستند. شاید خود آن‌ها و یـا عوامفریبـان محافـل حاکمـه و دروغگویـان علـم بـاف اقتصـاد بـورژوایی مـدعی شـوند کـه اشـخاص شـامل کـار در کشـور بـه ملیون‌هـا می‌رسد (این آقایان در جدول بیلانس قوای بشری افغانستان طی پلان سوم چنین ادعا نادرستی کرده‌اند.)

بحران بیکاری که محصول مستقیم کندی آهنگ رشد اقتصادی کشور است بـا تمـام فشـار زحمتکشـان کشـور را شکنجه می‌دهد.

باید خاطرنشان ساخت، کسانی کـه به اصطلاح مشغول کارند بنا بر عدم تناسـب بـین عوایـد آن‌هـا و گرانـی قیمت‌های مواداولیـه زنـده‌گی بـا فقـر و گرسـنگی دچـار انـد، اکنـون فکـر کنیـد زنـده‌گی کسـانی کـه کـار و دسـتمزدی بقدر بخورونمیر هم ندارند، چـه خواهد بود؟

روی همـین حقـایق تلـخ و جان‌گـداز اسـت کـه بایـد کـارگران و زحمتکشـان بیکار و کاردار وطن ماهیت ستمگرانهٔ طبقـات حاکمـه کشـور را درک کننـد و فریـب تبلیغـات دروغـین ایـن و آن را نخورند. بـاهم متحد شـوند، اتحادیـه‌های کـارگری خـود را تشـکیل دهنـد و بصـورت متشـکل از حقـوق صـنفی، اقتصادی و سیاسی خویش دفاع نمایند.

نور احمد
(وکیل پنجوایی قندهار)

کمیسیون پرچم ولایه انهایی

دفاع از جنبش آزادی‌بخش ملی پښتونستان از وظایف ملی و بین‌المللی دموکراتیک خلق افغانستان بشمار می‌رود.

«اشغالگران امپریالیست بریتانیا خط استعماری نامنهاد دیورند را در سال (۱۸۹۳ ع) بر قلمرو سیاسی افغانستان خلاف اراده خلق‌های آن تحمیل کرد و در نتیجه یک قسمت از ساحه مملکت را از پیکر آن جدا نمود. از آن تاریخ تا کنون جنبش‌های ملی ضد استعماری و امپریالستی خلق‌های پښتونستان بصورت مستعمر و مداوم جریان دارد. نیروهای ترقی‌خواه دموکراتیک خلق به پیروی از اصل «حق تعیین سرنوشت ملل» از جنبش رهایی‌بخش ملی خلق‌های پښتونستان پشتیبانی می‌کنند.»

(اول: امور سیاسی فقره ۸ مرام دموکراتیک خلق)

سرمایه‌داری جهانی

در مرحله سوم بحران عمومی

جنگ جهانی اول و ظهور نخستین نظام جدید اجتماعی در دنیا، بحران عمومی سرمایه‌داری را بوجود آورد. جنگ جهانی دوم و بوجود آمدن انقلاب‌های اجتماعی، در یک عده از کشورهای آسیا و اروپا باعث ایجاد مرحله دوم بحران عمومی سرمایه‌داری گردید. اکنون سرمایه‌داری جهانی از چندین سال به این طرف در مرحله سوم بحران خود دست و پا می‌زند.

«مهمترین خصوصیت مرحله جدید این‌ست که آغاز این مرحله ناشی از جنگ جهانی نبوده است.»

یکی از موج‌های نیرومند جهان جنبش‌های آزادی‌بخش ملی است که آخرین پایگاه‌های قدرت نظام استعماری را درهم‌شکسته و ارکان امپریالیزم را از هم می‌پاشد. بجای کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق، کشورهای نوبنیادی در آسیا و افریقا پدید گردیده و به مبارزه خود علیه طرد کامل امپریالیزم به پا خاسته‌اند.

امپریالیزم دیگر به دوران اضمحلال و سقوط خود نزدیک گردیده و تسلط خود را بر اکثریت ملل جهان از دست داده است.

در هر نقطهٔ جهان پرچم مبارزه علیه استعمار نوین و امپریالیزم قهرمانانه بلند است و جریان جنبش آزادی‌بخش ملی همدوش با نظام‌های نوین جهانی و جنبش‌های عظیم کارگران جهان بحران سرمایه‌داری جهانی را تشدید می‌کند.

مظاهر مرحلهٔ سوم بحران عمومی سرمایه‌داری قرار آتی است:

- جدا شدن روز بروز کشورهای نوبنیاد از جهان سرمایه‌داری و تلاش نظام استعماری امپریالیزم.
- ضعف روزافزون مواضع امپریالیزم در مسابقات اقتصادی با نظام‌های نوین اقتصادی و کشورهای کم رشد که در راه صنعتی ساختن کشور سعی می‌نمایند و از صدور اموال کشورهای سرمایه‌داری بداخل کشور خود جلوگیری می‌کنند.
- شدت تضادهای امپریالیزم و توسعه سرمایه‌داری انحصاری دولتی و افزایش مصارف نظامی به منظور جنگ و تجاوز (رشد میلیتاریزم).
- سطح پایین در آهنگ رشد تولید بحران‌های دورانی و بیکاری مزمن.
- تشدید روز بروز تضاد بین کار و سرمایه.
- شدید شدن تضاد بین خود کشورهای سرمایه‌داری.
- استقرار نوعی از رژیم‌های فاشیستی و استبدادی در عده‌یی از کشورها و سعی در بوجود آوردن نظام‌های جابرانه و ارتجاع سیاسی در کشورهای دیگر سرمایه‌داری و ایجاد تضیقات در برابر آزادی‌های دموکراتیک مردم.
- بحران عمیق در سیاست بین‌المللی و ایدیولوژی فرتوت بورژوایی.

موج عظیمی از انزجار و نفرت عمیق مردم صلح‌دوست جهان علیه جنگ، تجاوز و امپریالیزم و انحصارات و شکست معنوی و جنگی آن‌ها در هر نقطهٔ جهان که دست به تجاوز می‌زنند.

اکثریت عظیم مردم جهان ظلم و استعمار نظام سرمایه‌داری را به پوست و گوشت خود احساس کرده‌اند. صدها ملیون انسان در دنیا عملاً می‌بینند که سرمایه‌داری نظام هرج‌ومرج، نظام ظلم و ستمگری، نظام جنگ و تجاوز، بحران‌های دورانی و فقر ملیون‌ها نفر سیاره ماست. سیاست استعماری نوین امپریالیزم ناشی از خصلت نظام سرمایه‌داری است و توجیه دیگری ندارد. به همین جهت ملل کم رشد آسیا و افریقا مبارزه در راه رشد غیر سرمایه‌داری و ایجاد دولت دموکراسی ملی ضد ارتجاع داخلی، ضد استعمار و امپریالیزم را در این مرحله تاریخی شعار نجات‌بخش ملی خود قرار داده‌اند و تلاش می‌نمایند که از قلمرو اقتصاد سرمایه‌داری جهانی خارج شوند.

جامعهٔ بشری دیگر نمی‌خواهد با نظام سرمایه‌داری، که از لحاظ تاریخی زمانش گذشته است، توافق کند. زیرا سرمایه‌داری راه طولانی راه پر از درد و رنج برای مردم است.

(آمو)

موانع تحصیلی

و شاگردان بی سرنوشت

سال جدید تعلیمی برای شاگردان معارف و پوهنتون، با افسردگی و مصیبت تازهیی آغاز شد. هزاران نفر از فارغان مکاتب ابتدایی بخاطر به اصطلاح عدم گنجایش لیسه‌ها در تمام کشور، بلاتکلیف بسر می‌برند و جمع کثیری از فارغ‌التحصیلان پر استعداد لیسه‌های مرکز و ولایات که تحصیلاتشان را بر طبق اصول تدریس عهد عتیق به پایان رسانیده‌اند، به علت عدم آشنایی، در کانکور پوهنتون که به سیستم تست (تفاول) امریکایی گرفته می‌شود ناکام مانده‌اند و به امید تحصیلات عالی‌تر، در کوریدورهای پارلمان، پوهنتون، وزارت معارف و جاده‌های شهر سرگردانند.

ولسی‌جرگه، بروز ۱۱ حمل ۴۷ به این مناسبت و بنا بر شکایات محصلان، بصورت فوق‌العاده، موضوع معارف و کانکور شمول در پوهنتون را مطرح و فیصله کرد تا وزیر معارف به تاریخ ۱۳ حمل، به جلسه سؤال ولسی‌جرگه حاضر شود و درین زمینه به سوالات وکلا جواب بدهد.

جلسه سؤال به روز موعود دایر گردید ولی سرنوشت شاگردان همچنان مبهم باقی ماند و برای حل مسأله هیأتی از طرف ولسی‌جرگه تعیین گردید تا موضوع را تحت مطالعه قرار دهد!

بزمها

دوش از کاخ بلند و باشکوه! ...
خنده‌های دختران می پرست،
قلقل پی در پی مینای می
با صدای ساغر مردان مست! ...
در فضای بیکران پیچیده بود.
لیک، دانی حاصل این بزم چیست؟
*
دورتر ... در دامن ویرانه‌ها،
در میان خانه‌های بی‌نوا،
از دوران روزن ویرانه‌ای،
بر فلک می‌رفت آهنگ عزا! ...
کودکی از گشنگی جان داده بود!
بیوه‌ای بر نعش او خون می‌گریست.

«بارق شفیعی»

در گذشت نابهنگام گاگارین

قهرمان اتحاد شوروی

هفته گذشته مرگ یوری الکسی‌ویچ گاگارین اولین کیهان‌نورد جوان اتحاد شوروی با تأثر عمیق در جهان اعلان گردید.

یک حادثه سقوط طیاره جت تمرینی جای یک انسان واقعی، یک انسان کشاف و یک انسان پیشتاز جهان را در عالم فضانوردی خالی کرد.

گاگارین بعد از انجام اولین مأموریت بزرگ و تاریخی خود از طرف مردمان شوروی افتخار القاب پیلوت کیهان‌نورد و ماستر سپورت را حاصل کرد. و به اخذ جایزه لنین توفیق یافت.

گاگارین و خانمش بتاریخ ۲۱ قوس ۱۳۴۰ به افغانستان مسافرت رسمی دوستانه نمودند. که خاطره آن هنوز در اذهان شهریان کابل و علاقمندان ترقیات علمی و فنی بشری بجای مانده است.

تا جایی که آژانس‌های معتبر جهان اعلام داشتند خاکستر یوری گاگارین اولین کیهان‌نورد جهان با مراسم خاص نظامی در پای دیوار کریملن در میدان سرخ مسکو دفن شد.

پرچم: این ضایعه را با تأثر عمیق به همه مردم جهان، مردم کشور دوست و همسایه ما اتحاد شوروی و به خانواده وی تسلیت می‌گوید.

پرچم
به دو زبان پشتو و دری فعلاً بروزهای پنجشنبه نشر می‌شود

سال تأسیس: حوت ۱۳۴۶
صاحب‌امتیاز و مدیر مسؤول: سلیمان (لایق)
آدرس: غوثی مارکیت
محمد جانخان واټ
کابل - افغانستان

اشتراک
مرکز: سالانه ۱۰۰ ــ افغانی
ولایات و پشتونستان: سالانه ۱۱۰ ــ افغانی
خارج کشور: سالانه ۱۰ دالر
قیمت یک شماره: ۲ - افغانی

نمبر حساب‌جاری جریده: ۳۸۵۳ پښتنی تجارتی بانک

تایپ و ویرایش جدید: عمر فیض

مطبعه دولتی